

راهبردهای اصلاح اقتصادی در اصل ۴۴ و ارتقای سطح حضور منطقه ای

گزارش علمی

اشاره:

بسیاری از اندیشمندان و نخبگان سیاسی و اقتصادی بر این باورند که در اجرا و پیاده سازی سند چشم انداز نیاز به بهره برداری از الگوی توسعه ملی است که منطبق با اصول و ارزش های نظام سیاسی بوده و می تواند به امکان همگرایی و اتصال کشورهای عضو در سطح منطقه یاری رساند. اصل ۴۴ به عنوان یک جهاد اقتصادی در تثبیت رفتارهای اقتصادی مورد تأکید نظام اسلامی به یقین راهکار مناسبی در ترکیب، بهینه سازی و به کارگیری الگوهای رایج اقتصادی در منطقه و نیل به افقی است که در پناه آن کشورهای منطقه بتوانند فارق بال به تجارت آزاد فی مابین پرداخته و بنگاه های اقتصادی فعال و بومی تحت حمایت دولت های مطبوعه بتوانند توان داخلی اعم از منابع، نیروی انسانی، برنامه و تجهیزات را از وضعیت بالقوه به بالفعل رسانیده و آمادگی لازم را جهت شرکت کشف و تولید نیازهای منطقه و رفع آن را در سرلوحه امورات خود قرار داده تا هم در تولید ناخالص کشور و فعال سازی آن نقش ایفا نموده و هم بتوانند به افزایش سرمایه و تولید اشتغال در سطح منطقه یاری رسانند.

دانشگاه عالی دفاع ملی در این راستا سلسله مطالعاتی را در قالب راهبردهای اجرای اصل ۴۴ در دانشکده مدیریت راهبردی خود با حضور جمعی از اساتید و دانشجویان دنبال می کند که در این راستا از آقایان دکتر محسن رضائی، دکتر داوود دانش جعفری، دکتر الیاس نادران و دکتر نهادیان در این جمع بهره برده تا به غنای این موضوع یاری رسانند

دکتر حسن بیگی ریاست دانشگاه: در دانشگاه عالی دفاع بعد از آموزش نظری یک ترم اختصاص به مطالعات گروهی برای دانشجویان داریم که در کشور منحصر به فرد است. عزیزان دانشجو در این ترم هم تحقیق تئوریک و نظری و هم یک تحقیقی میدانی با مسافرت به استانها یا حوزه های تخصصی ملی و بین المللی دارند با صاحبزنان مختلف، تحت راهنمایی اساتید راهنمایی استاد محور در مؤلفه های قدرت مصاحبه و جستجو می کنند و در نهایت نتایج حاصله را همانند رساله دکتری در مقطع پیش دفاع و دفاع نهایی، ارائه می شود در چند ساله اخیر این توفیق بوده است که موضوعات اساسی و کلان کشور در دستور کار قرار گرفته که در واقع یک آزمایش و تمرین برای تدوین راهبرد است. موضوع این نشست نیز در رابطه با راهبرد های سیاسی سازی اصل ۴۴ قانون اساسی متناسب با سند چشم انداز است که هم ابعاد اقتصادی و هم ابعاد اجتماعی فرهنگی دارد ولی، هسته اصلی آن مدیریت راهبردی است و از این منبع بیشتر باید به این موضوع نگاه کرد ان شاء ... در این جلسه از محضر آقایان اساتید بیشتر استفاده بکنیم.

دکتر رهبر: در این جلسه که در خدمت شما هستیم از آقای دکتر دانش جعفری و دکتر نادران در مورد اصل ۴۴ و راهبردهای پیاده ساز آن صحبت شود از حضرتعالی هم تقاضا کردیم در جمع اساتید و همکاران دانشگاهی و دانشجویان تشریف بیاورید تا در این موضوع به ما کمک نمایند، در خدمت شما هستیم.

دکتر رهبر: بسم الله الرحمن الرحيم، تشکر می کنیم از، دانشگاه عالی دفاع ملی که موضوع مهم جامعه ما و نظام سیاسی کشور و هم حکومت را انتخاب در واقع اقتصاد امروز مهمترین دغدغه های جامعه و کشور را تشکیل می دهد این زحمت شما می تواند کمکی برای مجمع تشخیص بحث سیاستهای اصل ۴۴ اقدامی است در جهت یک تحول و درجهت یک انقلاب باید اول دید که جایگاه سیاستهای اصل ۴۴ و یک انقلاب اقتصادی کجاست تا بتوانیم راهبردهای را که برای آن تنظیم می کنیم ما را در رسیدن به اهداف سیاستهای اصلی کشور کمک بکند. کشور ما نیاز به یک تحول دارد،، ثانیاً الان عقب ماندگی در کشور روبه افزایش است. ثالثاً بقای سیاسی نظام با رشد اقتصادی امروز گره خورده و از طرفی دیگر اقتدار و امنیت ملی ما به توسعه ملی گره خورده است؛ اما این تحول از کجا باید شروع بشود، آیا از کاربرد فیزیکی اقتصاد شروع کنیم، یعنی تحول در زیربنا باشد، یا بیابیم زیرساختهای اقتصادی را مورد توجه قرار بدهیم. تا کنون زحمات زیادی کشیده شده است دوره سازندگی، هدفش این بود که کالبد فیزیکی اقتصاد متحول بشود یعنی زیربنای

کشور در دست توسعه قرار بگیرد. دوره اصلاحات ساختاری آقای خاتمی بیشتر تغییر در فعالیت اقتصادی بود. ولی در یک مطالعه کافی و با فرصت کافی به این نتیجه رسیدیم که ما نیاز به یک تحول اقتصادی، اجتماعی داریم که هم در مفهوم توسعه وهم ساختار توسعه را ما متحول کنیم. توسعه زیربنایها تغییر در کاربرد اقتصاد ملی است، این دو تا دوره داشته است یکی اصلاحات دهه ۲۰ با چشم انداز ایران مدرن ومقتدر که معمار آن رضاشاه بوده است، دو اصلاحات دهه ۷۰ با چشم انداز ایران مدرن وجهانی که معمار آن جناب هاشمی رفسنجانی بوده است اصلاحات ساختاری هم ۲ تا دوره دارد یکی دوره ملی شدن فعالیتها و با چشم انداز برابری وعدالت که معمار آن نیز آقای میرحسین موسوی بودند ودوره آزادسازی اقتصادی با چشم انداز ایران آزاد که معمار آن آقای خاتمی بودند.امروز ما به یک دوره جدیدی رسیدیم، دوره انقلاب اقتصادی و اجتماعی یا تحول همه جانبه در تمام لایه های اقتصادی اجتماعی وفرهنگی. تحول همه جانبه یعنی هم در مفهوم توسعه باید به تحولی صورت بگیرد وهم در ساختارهای توسعه. تحول در مفهوم توسعه یعنی ما به جای رشد اقتصادی آن هم با شاخصهای صرف مادی باید به شکوفایی وتعالی همه جانبه فکر بکنیم. مثلاً طرز تلقی ما از عدالت، طرز تلقی ما از زهد، طرز تلقی ما از ثروت، طرز تلقی ما از توسعه ومسائل اقتصادی، اینها بایدیک بازنگری بشود.مسأله دوم چشم انداز آینده، چشم انداز آینده که مهمترین زیرساخت جامعه است.

مسئله تولید کالا وخدمات در مدیریت بنگاهی، مدیریت کیفیت، روشهای فرآیندها، نوآوری دانش وفن اوری تجارت و بازرگانی، بخش داخلی وبخش خارجی، به مدل بر نی گردد که ازسند چشم انداز گرفته شده تا سیاستهای نظام و قوانین ومقررات وروشها ونهادها این تحول باید از آنجا آغاز یعنی سرچشمه انقلاب اقتصادی از سند آغاز می شود. اشکال جدی دلسوزیهای گذشته این بود که همیشه انقلاب اقتصادی در یک طرح خرد مطرح می شود وقدرت گسترش وتعلیم این تأثیرات به ونمی توانستند آنرا مدیریت کنند ما سعی کردیم در طراحی جدی این انقلاب اقتصادی واجتماعی این اشکال را در سند چشم انداز پشت سر بگذاریم. سه و باید گام جدی برداشته می شد که در طراحی لحاظ می شود ۱- تقسیم چشم انداز ۲- ایجاد یک جهاد اقتصادی در کشور ۳- طراحی اقدامات استراتژیک

چشم انداز بیست ساله ایران که مهمترین زیرساخت تحول اقتصادی واجتماعیست یک تأثیر آرمانی قابل تحقق از برای ایران آینده است با خواست وباور ملی هماهنگی و تدوین شد که واراده وعزم ملی را شکل داده و تلاشهای گروهی وفردی را هم جهت سازد این سند

توانایی راهبران و مدیران را در مدیریت و چالشها تقویت ساخته و به دنبال ساختن یک خانه ای در بهشت برای ملت ایران است این منظر چشم انداز است ۵ موزایک شامل ۵ جمله و یا ۵ کلمه تشکیل می شود. یعنی ۱- توسعه یافتگی ، ۲- اول بودن از نظر اقتصادی ، ۳- علمی و فناوری هویت اسلامی ایران ، ۴- انقلابی و الهام بخش ۵- مؤثر و سازنده بودن در روابط بین الملل منطقه ای که مأمور و هدف نهائی است. سر خط منطقه آسیای جنوب غربی است که محصور بین هند و چین ، روسیه ، اروپا و اقیانوس هند است این منطقه نشان می دهد ایران با ۵ زیرسیستم بسیار مهم جهان که قلب آینده جهان را نشان می دهد دارد زندگی کردن و آینده خود را شکل می دهد. آسیای میانه ، قفقاز ، خاورمیانه ، پاکستان و افغانستان ، و خلیج فارس در شمال ایران ۲ تا منطقه مهم است. شبه قاره در سمت چپ خاورمیانه است و در جنوب کشور نیز خلیج فارس قرار دارد لذا کاملاً می توان دید که اوضاع به چه صورت است لذا برای تعقیب در منطقه باید رشد اقتصادی بین ۷ تا ۱۱ درصد باشد سناریوی مطلوب این است که به ۳ نکته توجه داشته باشیم که اول تشکیل سرمایه ، افزایش سرمایه ملی از منابع جدید و جذب سرمایه خارجی و سرمایه گذاری در منطقه ای که آن ۵ زیرسیستم را در خود دارا باشد فراهم آن بودند ارتقاء بهره وری نیروی انسانی و سرمایه و سوم ، افزایش بازدهی اجتماعی ، فعالیت‌های استراتژیکی که باید صورت بگیرد این است که ما در منطقه برتر شویم ، اینها ۴ مزیت جدیدی هستند که باید در کنار انرژی به عنوان موتورهای توسعه و ایجاد فرآیند مورد توجه قرار بگیرند راهبرد فرآورده سازی نفتی بجای نفت خام و مواد خام معدنی که به فراوانی در کشور ماست و به آن بی توجهی شده و قدرت صنعتی و استراتژیهای اقتصادی که شامل ساماندهی و تقسیم کار منطقه ای است، گردش فعال نخبگان در اقتصاد استقرار امنیت اقتصادی الگوسازی در هر شهر و منطقه، افزایش قدرت خرید و درآمد مردم و اقداماتی از این قبیل که بدون جهاد اقتصادی امکان پذیر نیست و در کنار آن نیز نیاز به یک مبارزه سیاسی اجتماعی برای مبارزه با تحریم ها و محدودیتهای سبب کاهش مصرف و افزایش صرفه جویی و نیز تقویت روحی ، رقابت با رقبای منطقه ای و در شمال ایران کشور های مسلمان کشور . از طرف دیگر ما نیاز به یک جنبش اقتصادی هم داریم در حقیقت تقویت غرور و افتخار ملی و یک ایران منطقه ای که قدرت نفوذ قابل ملاحظه ای در منطقه داشته باشد و همچنین افتخار به اینکه قدرت اول در منطقه باشیم در علم و فناوری جلو باشیم در اینکه ایران یک الگو برای جهان اسلام تبدیل شود و همچنین ارزش گذاری به تلاش و کار و تولید و تشکیل سرمایه دارد.

سپس اگر ما خواهیم آن انقلاب و آن چشم انداز تحقق یابد چند تا اقدام اساسی باید برای رسیدن به این چشم انداز و این انقلاب انجام شود .

۱- اصلاح نظام اقتصادی ایران ۲- اصلاح نظام اداری و مدیریتی کشور ۳- تشکیل یک ستاد و ساختار متولی تحقق چشم انداز ۴- ایجاد یک عزم و اراده ملی در لایه های اجتماعی برای تحقق چشم انداز . سیاستهای کلی اصل ۴۴ ولی این به معنای این نیست که همه این اصلاح در همین سیاستهاست لذا عناوینی سیاستهای کلی و وظایف قوای ۳ گانه را من یک اشاره بکنم و بعد منتظر سوالات دوستان می مانیم . سیاستهای کلی اصل ۴۴ شامل ۵ تا بند است بند الف دو قسمت دارد یک محدود سازی دولت به اصل ۴۴ یعنی می خواهد بگوید که دولت حق ندارد از اصل ۴۴ خارج شود ، فعالیتهای اقتصادی بایستی در پیرامون و درون اصل ۴۴ باشد ۲- آزادسازی اقتصادی در بند ب- سیاستهای توزیع تعاونی و در بند ج- خصوصی سازی اقتصادی در بند سیاستهای کلی و اگذاری ... لذا می بینید که بحثهای محدودسازی ، آزادسازی ، خصوصی سازی و سیاستهای اعمال حاکمیت توی یک مجموعه تحت عنوان سیاستهای کلی اصل ۴۴ آمده است در واقع هم برای بخش دولت و هم برای بخش خصوصی ، تعاونی ، حکومت به عنوان حاکمیت تعیین تکلیف شده است .

نکته ای که فکر می کنم برای جلسه شما مهم باشد این است که دانشگاه دفاع ملی همانطور که مقام معظم رهبری هم فرمودند موضوع اساسیش توان دفاعی کشور و امر دفاعی است اما دفاع شامل نظامی گری تنها نیست دفاع شامل ارتباط مسائل نظامی با اقتصاد و سیاست و اجتماع هم می شود. این هم حلقه مغفولی است که متأسفانه قبل از انقلاب آمریکاییها به ایران یعنی ۲ تا اشکال اساسی در ارتش نظامی ایران پیش آمد یکی اینکه دانش عملیاتی را به ما ندادند و به ما نیز منتقل نشد. دانش ساخت راهبرد دفاعی را هم به ایران ندادند یعنی در بخش هدایت نبردها و تحقق امنیت ملی در یک کشور دو حلقه مفقودی و مغفولی را جا گذاشتند و عاقلانه این اتفاق افتاد یک صحنه نبرد یا قبل از نبرد در موضع امنیت ملی بایستی بخش نظامی با سیاست و اقتصاد هماهنگ و درگیر شود و یک فهم مشترکی در سطح ملی نسبت به مقولات دفاعی شکل گیرد اگر سیاستمداران و نظامیان همدیگر را درک نکنند و امر تصمیم گیری دفاع با یک مشکل جدی مواجه می شود. سیاستهای اصل ۴۴ مهمترین مسأله برای فکر کردن دانشگاه عالی دفاع ملی این است که این سیاستها چه تأثیری در توان دفاعی کشور دارد ، این سیاستها چه مقدار به امنیت ملی کشور کمک می کند و بالعکس ، نیروهای مسلح کشور و سیستم دفاعی کشور چه کمکی می تواند، کمک متقابل به توسعه ملی

انجام بدهند. این ارتباط متقابل بین توسعه ملی و دفاع ملی به نظر من هیچ جایی به غیر از این مرکز نمی تواند به آن پردازد، لذا اگر همه بخش های دیگر کشور می آیند راهبردهای اقتصادی اجتماعی سیاسی رو برای سیاستهای اصل ۴۴ دنبال می کند این مجموعه باید به دنبال تدوین راهبردهای اجرایی سیاستهای اصل ۴۴ در زمینه رابطه متقابل توسعه ملی و دفاع ملی باشد. این عملکرد شما در این راستا فوق العاده ارزنده خواهد بود.

دکتر الیاس نادران (استاد دانشگاه و نماینده دوره هفتم مجلس شورای اسلامی): موضوع سیاستهای اصل ۴۴ در سال ۸۴ و در سال ۸۵ ابلاغ شده است. که در آنجا صراحت دارد که بایستی شرایطی آماده شود که شرکتهای تعاونی، بخش خصوصی و غیر دولتی وارد صدر اصل ۴۴ شود.

اجرای سیاستهای اصل ۴۴ در راستای چشم انداز، ضروری است نه فقط خصوصی سازی، خصوصی سازی حداقل آن است بخش اعظم در آزاد سازی و مقررات زدایی است. حداقل های قانون مورد نیاز برای اجرایی کردن سیاستهای اصل ۴۴، هدف اصلی کمیسیون فعلی بوده است.

قوانین پولی، بانکی، بورس، کار، امنیت شغلی، نظارت پس از واگذاری و آزادسازی و دقت در واگذاری، قیمت واگذاری، سهم نمودن افراد در واگذاری ها و پیش بینی می شود دست کم تا ۵، ۶ سال آینده کار بایستی پیگیری شود.

کار اصلی که مجلس هشتم انجام شد بازنگاری و بازبینی قوانین کشور (قانون کار، بورس و) قوانین اصلی که بایستی مورد تجدید نظر اساسی قرار گیرد حدوداً ۸ مورد است. قانون کار، بورس و ...

آنچه که می شود کمک کرد مصوبه های قانونی در راستای اصل ۴۴، موضوع سلیقه ای بسیار زیاد است. لیکن موضوع کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت، رویکرد اصلی در سیاستگذاری قوانین می باشد.

ما در پی طراحی یک مدل اقتصاد جدید، عدم حاکمیت انحصارها، حضور مردم در صحنه، عدم انحصار سیاستمداران و بستن حاکمیت مردم به اقتصاد، باید دولت وابسته به عامه مردم شود و نه وابسته به گروهی خاص.

دکتر رهبر: جمع بندی مذاکرات این شد که آنچه در قالب سیاست ها و برنامه های کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت، بیان شد سیاست خصوصی سازی نیست.

سؤال از آقای نادران این است که فرض کنیم که بخواهیم بر اساس سند چشم انداز دغدغه های پیاده سازی اصل ۴۴ را احصاء کنیم؟ آنها کدام هستند.

آیا موضوع یارانه ها به بخش صنعت است؟ آیا حمایت های دولت تداوم خواهد داشت؟ از سرمایه خارجی چگونه استفاده خواهد شد؟

نگرانی ها و دغدغه های مجلس شورای اسلامی در ارتباط با اصل ۴۴ چیست؟

دکتر الیاس نادران: از سال ۸۴، به مرکز پژوهش با تعریف شرکت ها، نحوه اصلاح ساختار آنها، اصلاح قوانین بانکی و بررسی قانون کار در ارتباط با اصل ۴۴ تعقیب شده است، ولی سرعت کار در حدی که مقام معظم رهبری انتظار داشته اند نیست. الان جدی تر شده است.

دغدغه های مجلس، انجام اقداماتی است که ممکن است در چارچوب سیاستهای اصل ۴۴ باشد ولی به لحاظ سلطه تمایلات بخشی، تلاش می شود تا بطور کلی سیاستهای اصل ۴۴ فارغ از تمایلات بخشی باشد.

۱ - چنانچه جایگاه اقدامات دولت در یک بسته تعریف نشود ما مواجه با یک بن بست مشابه دهه ۷۰ خواهیم بود.

۲ - دغدغه دوم، راهکار درآمد ناشی از واگذاری است که توسط مقام معظم رهبری ابلاغ شد که دولت به لحاظ محدودیت های مالی، به سمت رفع مشکلات مالی فعلی خودش است.

۳ - نگرانی سوم، دولت بسترسازی لازم برای فارغ شدن از شرکت های دولتی را نکرده است.

در حال حاضر بخشی از مدیران شرکتهای دولتی وابسته به شرکت و به لحاظ کاری وابسته به دولت هستند. این مدیران به همین لحاظ مدافع شرکتهای دولتی شده اند. مثلاً از اعتبارات باید برای توسعه فعالیت ها و به نفع شرکتهای انجام شود و از دولت درخواست شده است که این انفکاک صورت گیرد که در غیر اینصورت و در صورت تداوم این مسئله نتیجه آن عدم صحیح واگذاری ها است در صورت این مسئله.

۴ - نگرانی چهارم، مقررات زدایی و یا حتی ایجاد مقررات جدید برای ایجاد یک فضای رقابتی برای حضور بخش غیر دولتی به موضوع صدر اصل ۴۴ نشده است. اجازه برای ورود افراد به موضوع داده نشده است.

۵ - دغدغه دیگر سلطه بیگانگان بر منابع ملی است. و بایستی از تجربه کشورهای آسیای جنوب شرقی نیز استفاده کرد. قبلاً مصوباتی مجلس داشته ولی این ها کفایت نمی کند و

این دغدغه دیگر مجلس است. هم بایستی خارجی ها بیایند و هم تسلط پیدا نکنند. ۶- دغدغه دیگر در آزادسازی ها بایستی شرایط قیمت گذاری مواد اولیه و محصول (هم ورودی و هم خروجی) بر اساس قیمت جهانی باشد این اعتقاد مجلس چنانچه دولت می خواهد با قیمت کمتری محصول به مردم برسد، از مسئله یارانه ها استفاده کند. هندی ها و اروپایی ها به شدت علاقمند به سرمایه گذاری در ذوب آهن هستند به لحاظ هزینه مواد اولیه، انرژی و عدم عرضه محصول در بازار داخلی، لذا بایستی توجه شود که در بسط همکاری های منطقه ای به کشور آسیب رسانده نشود. اعتقاد ما این است که سیاستهای اصل ۴۴، تغییر از یک وضعیت رانتی به سمت یک اقتصاد کارا، سالم و عادل را رهنمود خواهد نمود. دولت می خواهد محروم شود از یک مجموعه درآمدهای بی دردسر و به درآمدهای با دردسر وابسته شود.

در برنامه چهارم این رویکرد است لیکن ابزار لازم تعبیه نشده است. اعتقاد داریم هر اقتصادی نهادهای مورد نیاز خود را ایجاد خواهد نمود. بنابراین برای وضعیت مورد نظر بایستی تغییرات نهادی و مقررات مورد نیاز در میسر صحیح صورت گیرد. تغییر ساختار شرکتهای دولتی و غیر دولتی، نهادهای مورد نیاز خود را ایجاد خواهند نمود که در بستر این تغییرات در نهادها صورت خواهد گرفت. بده بستان های بین شرکت های دولتی و غیر دولتی، ظرفیت ها و اصلاح نهادها است. آموزش و قوانین و مقررات: بسترهای لازم برای ایجاد نهاد در این خصوص همزمان بایستی صورت بگیرد.

برای جلوگیری از تسلط بیگانگان در بورس بایستی سهم سقف افراد بطور مستقیم و غیر مستقیم روشن شود که الان در مورد بانک ها انجام می شود. در مورد سهام عدالت، به لحاظ تئوری کار درستی است ولی در عمل به سمت عدالت حرکت می کنند و دولت تا واگذاری، کامل به نمایندگی از طرف سهامداران در اصلاح مسیر حضور دارد ولی در انتخاب و مدیریت حق دخالت ندارند.

آقای دکتر حسن بیگی: (ناظر عالی مطالعات گروهی)

ما تلاش می کنیم بجای یک نگاه اقتصادی در پی نگاه مدیریت استراتژیک باشیم در این نگاه ما سیاستگذار و اجرا را و همراه با هم می بینیم توانمندی های داخلی، همزمانی و اجزاء توانمندی. مکمل یکدیگر بوده و هماهنگ با یکدیگر حرکت خواهند نمود.

نادران: در مطالعه بررسی و قانون گذاری همراه با دولت هستیم، مقام معظم رهبری تأکید داشتند ملاحظات دولت را در نظر بگیریم، (باز تعریف نقش دولت در شرایط جدید) توسط مقام معظم رهبری مطرح شده است.
اول: تصحیح مسیر که باید انجام شود دوم: انعطاف پذیری دولت کاری است که در نظر ما است.

برگزیده ای از سخنرانی جناب آقای دکتر دانش جعفری وزیر محترم اقتصاد و دارایی در جمع اساتید و دانشجویان (دوره الف- چهاردهم) دانشگاه عالی دفاع ملی- دانشکده مدیریت راهبردی (مطالعه گروهی)

دکتر دانش جعفری: مشکلی که وجود دارد یک جایجایی سرمایه و ورود سرمایه به بازار است و این یک مشکل است که ۱۰ هزار میلیارد تومان اندازه بازار بورس کشور است. که برای کل مبادلات ۲۰۰ شرکت در بورس است. چنانچه که ۴۰ درصد شرکتهایی که در بورس هستند فروخته شود. بایستی ۶۰۰ میلیارد تومان پول وجود داشته باشد؟ پول موجود در بازار محدود است.

راهکار دیگر سرمایه گذاری خارجی است. در حال حاضر طبق قانون، خارجی ها می توانند ۱۰۰ درصد سهام را بخرند و مدیریت کنند. چنانچه بخواهد فقط در بورس باشد صرفاً ۱۰ درصد خواهد بود. راه دیگر ایجاد شرکت های سرمایه گذاری، شرکت های تأمین منابع مالی و بیمه و است که این یک تجربه است که قبل از فروش با یک شرکت سرمایه گذاری، بانک یا شرکت تأمین مالی، قرار گذاشته می شود که پس از عرضه در صورت عدم استقبال مردم، آن شرکت آنرا خواهد خرید.

مهمترین چالش، در بخش اجرایی در واگذاری، تنظیمات اجرایی برای واگذاری فراهم کردن است. بایستی بنگاههایی که عرضه بین المللی دارند را به شکل دیگری به موضوع آن ها توجه شود. موضوع بازار به بازاری مثل فولاد در مورد منابع مالی، در مورد انحصار موضوع بازار به بازار و عرضه بین المللی بایستی مطالعه صورت گیرد.

در لایحه، به ویژگیهای بخش خصوصی و تعاون و دولت توجه شده است.

در این لایحه در مورد نهادهای عمومی غیر دولتی نیز توجه شده است. مثلاً شرکت شستا در تأمین اجتماعی، مشمول غیر دولتی است. ولی اداره آن دست وزارت رفاه است و در نظراست نهادهای عمومی غیر دولتی نیز کنترل شود و سازو کارهایی پیش بینی شده است برای اداره این گونه بنگاه ها، که طبق پیشنهاد ارائه شده ۲۵ درصد بیشتر نبایستی از سهام

شرکتها را به عهده داشته باشد.

راجع به بانک پیش بینی شده است که بانک سهام عام باشد در عین حال خود بانک ها را ملزم کرده که منابع را صرف توسعه خودشان نکنند بلکه به توسعه تسهیلات برگردد. حدود نصف مفاد این لایحه به انحصار توجه شده است.

لایحه در مورد نفت و در مورد صنایع نظامی و امنیتی استثنائاتی را قایل شده است.

در لایحه تا حدودی به وظایف تصدی و حاکمیتی توجه شده است.

در ابتدا با تولید ملی شاخص های ارزیابی آنها عبارتند از: می باشد.

یکی از تحقیقات مناسب این است که آیا بهره وری پس از خصوصی سازی ارتقاء می یابد یا خیر؟

لایحه پیشنهادی یک دور در دولت بررسی و اصلاح شد (ویرایش دوم) در فاصله اخذ نقطه نظرات دستگاهها، ویرایش سوم تهیه و به مجلس رفت و مورد سوم، طراحی ای که در مرکز پژوهش های مجلس تصویب شده است در حال حاضر عمدتاً توسط دولت و قوه مجریه اداره می شود.

آقای دکتر حسن بیگی: در مدیریت استراتژیک وحدت فرماندهی و اجرا جواب می دهد که به نظر می رسد ما در این مسأله مشکل داریم و در عمل این نگاه سیستمی نیست.

مطلب دیگر، موضوع توانمندسازی مردم و بخش غیر دولتی، با پیش فرض پذیرش مسئله توسط دولت است و نقطه دیگر پارادایم جدید است که ممکن است یک بنگاه کوچک با یک بنگاه بزرگ رقابت کند.

نکته دیگر مدیران گذشته است، که معلوم نیست توانمند هم باشند آیا این مدیران می توانند کارایی را افزایش دهند حتی با دخالت مردم و یا با ساختارهای غیر مستقیم.

مسئله بعدی ذینفعان استراتژیک، است. چگونه با آن بایستی برخورد کنیم، این را چگونه بایستی دولت تعیین کند. پیشنهاد است که گروهی هم بنشیند و روی فرصت های ناشی از سیاستهای اصل ۴۴ کار پژوهشی انجام دهد. ممکن است فرصت های حاصل از اصل ۴۴ و بازارهای خارجی هم داشته باشیم.

جعفری: ما نیازمند به همگن کردن داریم. نیازمند ایجاد نهادهای جدید هم هستیم. مثلاً خصوصی سازی باعث گرانی می شود، ولی با اجرای این اصل این ذهنیت شکسته شد.

موضوع دیگر مدیران دولتی هستند که مثلاً غروی مدیر عامل سابق ایران خودرو است که پس از برکنار شدن طوری دیگر فکر می کند.

موضوع دیگر دولتی شدن ۴۰ درصد سهام عدالت + ۲۰ درصد سهام دولتی = ۶۰ درصد است، بحث های زیادی انجام شده است ابتدا موضوع شرکت واسط مطرح گردید ولی به خاطر شرایط برتری که ایجاد می کنند انجام نشد ولی امید است با رویکرد استانی، این مسئله بصورت استانی وارد مدیریت و بورس شود. سهام عدالت، فعلاً برای مدیریت و تحول در شرکت ها، با سختی می توانند دخالت کنند. بایستی نهادسازی شود تا نگرش مردم تغییر کند.

دکتر نهاوندیان: عضو هیأت علمی دانشگاه و رئیس اتاق بازرگانی ایران

خوشبختانه با ابلاغ سند چشم انداز بیست ساله همه نهاد های کشور می دانند که به کدام سمت باید حرکت کنیم در چشم انداز یکی از اصلی ترین نکاتی که مورد تأکید است همین نکته ای است که در چشم انداز دیده می شود یعنی تعامل سازنده و مؤثر در روابط بین الملل نکته ای بسیار مهمی است که مورد تأکید قرار گرفته است این را بگذارید کنار جایگاه اول فناوری در منطقه و معنایش این می شود که رسیدن ما به هدف چشم انداز از مسیر توسعه می گذرد لذا اگر بخواهیم جایگاه اولیه اقتصاد منطقه و جهان بشویم غیر ممکن است که بدون جهش صادراتی به این جایگاه برسیم و با تکیه به بازارهای داخلی قطعاً به آن توان اقتصادی نخواهیم رسید و سرمایه های داخلی هم چنین جهش اقتصادی را اجازه نخواهد داد پس لازمه رسیدن به اهداف سند چشم انداز تنها عبارت می شود از توسعه حضور یک نکته را من اینجا تصریح کنم در استراتژی و آن تعبیر الهام بخشی ج.ا.ا در سند است که در چشم انداز تأکید شده است مفهوم الهام بخشی توجه به اهمیت ویژه ای است که چشم انداز به نحوه مقابله دشمن و مقدار خصومتش با ایران اسلامی اشاره می کند که این حرکت را ایجاب کرده است شما ادبیات بعد از جنگ سرد و شوروی سابق را دنبال کنید تلاش و اشنگتن در مورد تمدنی که اعلام کننده، جنگ های آینده، مقابله های آینده و چالشهای آن است نشان دهنده این است که چالشهای ایدئولوژی و فرهنگی در آینده تعیین کننده است لذا مقصود حرکت به این سمت بوده که چالشهای آینده عنصر ایدئولوژیک خارج کننده ما از چالشها نیز می باشد که در مقابله ها مسابقه های اقتصادی می تواند مؤثر باشد و لذا رقابت های ایدئولوژیک و آرمانی به همراه رقابتهای اقتصادی تضمین کننده است بنظر می رسد تمدن غرب دیگر ظرفیت چالش ایدئولوژیک و آرمانی را ندارد.

یک جمله ای دارد نیو که می گوید عصر قهرمانی های آرمانی غرب سر آمده است دیگر هیچ

نگرش راهبردی (ویژه نامه سند چشم انداز - راهبرد منطقه گرایی) شماره ۸۷ بهمن ۱۳۸۶

کس حاضر نیست برای آرمان های جامعه غرب جایی پیدا کند این ظرفیت سر آمده است پس تهدیدات جدی که ایران اسلامی برای آمریکا دارد اگر فقط تهدید منطقه ای و بحث دستیابی به انرژی هسته ای نیست این که نظامی سیاسی بتواند آرمان نویسی را در سطح جهانی با قدرت کار آمدی خود اثبات کند این برای کشور مقابل چالش بود و نبود را مطرح می سازد که برای سیطره غرب خطرناک است لذا یادمان نباید برود در عین حال که توجه می کنیم به بحث کار آمدی و توانمندی اقتصادی این جنبه الهام بخشی را نباید فراموش کنیم خوشبختانه نتیجه لازم در چشم انداز پیش بینی شده است یک نکته دیگر را عرض کنم ما تبعاً از منظر امنیت ملی باید نگاه کنیم به تصمیم استراتژیکی که در کشور گرفته می شود بعد از تجربه بیست هفت ساله در بالا به این ستون رسیدیم به این نکته که امنیت ملی ما در گره زدن منافع کشور همسایگان و شرکایمان تأمین می شود البته امنیت ملی ما فقط در یک انضمام اقتصادی ارائه نمی شود بلکه باید تدبیر کنیم امنیت ملی دیگران را که وصله خورده به امنیت ملی ما لطمه نزنند به امنیت یکدیگر و باز هم این منظر استراتژیک امنیت ملی ما را می رساند به توسعه حضور یعنی اگر ما در ده ها پروژه سرمایه گذاری در خارج از کشور حضور داشتیم و ده ها پروژه سرمایه گذاری خارجی در ایران مشغول باشند تعرض امنیت ملی ما تعرض به منافع آنها می شود این دو بیمه یکدیگر می شود پس برای مقابله با تعرض آنها حتماً باید از منظر امنیت پویا و پایدار ملی و با پیام اصلی استراتژی امنیت ملی خود در جهان معرفی شویم.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی